

روزنامه شرق

پنجشنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۰ • ۱۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۳ • ۱۶ دسامبر ۲۰۲۱
سال نوزدهم • شماره ۴۱۷۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۰ • اذان مغرب ۱۷:۱۳
اذان صبح فردا ۵:۳۸ • طلوع آفتاب ۷:۰۸

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌روا



۲۷۳ هنرجوی موسیقی افغانستان وارد پرتغال شدند

هنرجویان و استادان مؤسسه ملی موسیقی افغانستان همراه با اعضای خانواده خود از قطر به پرتغال منتقل شدند. این گروه ۲۷۳ نفری شامل ۱۵۰ هنرجوی موسیقی هستند که در ماه‌های اکتبر و نوامبر در مدت شش هفته و با پنج پرواز مختلف از افغانستان به دوحه منتقل شدند و سپس برای پناهندگی به پرتغال پرواز کردند. محوطه مؤسسه ملی موسیقی افغانستان هم‌اکنون از سوی طالبان اشغال و دفاتر آنها غارت و حساب بانکی مؤسسه مسدود شده است. دکتر احمد سرمست، مؤسس و مدیر مؤسسه، گفت: «ورود نوازندگان، امروز به این معنی است که نخستین و مهم‌ترین گام برای نجات جان و تضمین آزادی آنها به پایان رسیده است». سرمست افزود: «ازاین‌پس نوازندگان مؤسسه نه‌تنها برای هنرمندان افغانستان، بلکه برای مردم کشور در مبارزه با ظلم طالبان نماد شجاعت و عزم خواهند بود». قرار است این مؤسسه در پرتغال احیا شود تا هنرجویان به آموزش موسیقی ادامه دهند. این طرح بخشی از طرح بزرگ‌تر در ایجاد مرکز فرهنگی افغانستان در لیسبون، پایتخت پرتغال، است. تیم فوتبال دختران نوجوان افغانستان نیز در پرتغال کشور با ۱۰۳ میلی‌یون جمعیت که از تابستان گذشته تاکنون ۷۶۴ افغان را پذیرش کرده، اسکان داده شده‌اند. مؤسسه ملی موسیقی افغانستان در سال ۲۰۱۰ تأسیس شده بود.

درک درست و واقعی از ام اس

ام اس مرا متوقف نمی کند

راه‌های همیاری با انجمن ام اس ایران:

#۲۲۲۳*۷۸۰*

یا از طریق اپلیکیشنهای آپ – تاپ – سکه – باد صبا

تلفن: ۹-۶۶۹۵۳۹۰۷ و ۸-۶۶۹۵۱۱۸۷

صنف

رد صلاحیت رئیس انجمن سراسری روزنامه‌نگاران؟

به گزارش شفقنا رسانه، لی‌لی فرهادپور، بازرس انجمن سراسری روزنامه‌نگاران در صفحه توئیتر خود از رد صلاحیت حسن نمکدوست‌تهرانی و برخی دیگر از اعضای هیئت مدیره این انجمن خبر داد و نوشت: «امروز بعد از شش ماه از انتخابات انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، تصمیم گرفتم به عنوان بازرس اطلاع دهم نمکدوست، رئیس انجمن و برخی دیگر از سوی مراجعی، رد صلاحیت شده‌اند». در سی‌ام خرداد ماه ۱۴۰۰ بر اساس رأی هیئت مدیره، حسن نمکدوست‌تهرانی به‌عنوان رئیس انجمن، داوود محمدی به‌عنوان نایب‌رئیس، تبسم نمازی به‌عنوان دبیر و نفیسه زارع‌کهن به‌عنوان خزانة‌دار انجمن انتخاب شدند. در تماشای که با حسن نمکدوست داشتیم، وی بدون تکذیب گفته فرهادپور گفت که ترجیح می‌دهد در این باره اظهارنظر نکند و البته این را حق بدیهی روزنامه‌داست که موضوع را هر طور که صلاح می‌داند، روایت کند. پس از توئیٹ لیلی فرهادپور (بازرس انجمن سراسری)، شهریار شمس‌مستوفی دبیر سابق انجمن روزنامه‌نگاران تهران به باشگاه روزنامه‌نگاران توضیحی را ارائه داد که در آن آمده بود «پود درج خبری مبنی بر رد صلاحیت دکتر نمکدوست به آگاهی می‌رساند



استعلامات لازم انجام شده و تأیید تعدادی از اعضا به روزتارخانه رسیده است و منتظر استعلامات بقیه منتخبین هستند تا مراحل نهایی طی شود. با توجه به اعتراض انجمن درباره تأخیر در انجام مراحل قانونی آن را ناشی از تغییر در دولت و مسئولین ادارات مرتبط با موضوع دانستند. با توجه به این نکات بدیهی است اگر فردی تأیید نشود به او اطلاع داده خواهد شد و فرد می‌تواند تقاضای تجدید نظر کند. بر اساس بیگیری‌های دبیرخانه از وزارت کار (که آخرین مورد آن امروز صبح - سه‌شنبه ۲۳ آذر - بود) هنوز در مورد جناب آقای دکتر نمکدوست کتاب اعلام نظری نشده است». که در این باره فرهادپور نیز نوشت: «بنده در گزارشم نوشته بودم: آقای حسن نمکدوست به وزارت کار فراخوانده می‌شود و به ایشان گفته می‌شود که ایشان برای هیئت‌مدیره انجمن «تأیید» نشده است».

سلام به فردا

گفت‌وگو با جبار رحمانی، جامعه‌شناس زندگی در تنگنا با اعمال شاقه

سامان موحّد: در هفته‌ای که گذشت، دو خبر بیش از هر چیزی در مرکز توجه افکار عمومی قرار گرفت و واکنش کاربران را در شبکه‌های اجتماعی در پی داشت: نخست حرف‌های یک نماینده مجلس درباره واردات آلات موسیقی و عینک آفتابی و دیگری خبر بیش از ۱۰۰برابری‌شدن عوارض خروج از کشور، البته هر دو خبر در طول هفته گذشته تکذیب شدند، اما کیست که نداند تصویب چنین قوانینی در فضای فعلی ایران تا چه میزان محتمل است. از سوی دیگر، صرف وجود قوانینی همچون دریافت عوارض برای خروج از کشور، به تنهایی و فارغ از اینکه مبلغش دو برابر شود یا ۱۲ برابر، به اندازه کافی شهروندان را آزار می‌دهد؛ چراکه منطقه هر شهروندی باید حق خروج آزادانه از سرزمینی را داشته باشد. اینکه در روزگار بحران‌های شدید اقتصادی چنین تصمیم‌هایی چه تأثیر روانی‌ای بر شهروندان می‌گذارد و چه بلایی بر سر سرمایه‌های اجتماعی کشور می‌آورد، موضوع گفت‌وگویی بود که با جبار رحمانی، جامعه‌شناس انجام دادیم. جبار رحمانی درباره اصل وجود قانونی همچون دریافت عوارض خروج از کشور می‌گوید: آنچه در بودجه آمده، انتظار یک درآمد است، اما این را که درآمد منجر به ۱۲برابردن عوارض خروج از کشور می‌شود، نمی‌دانیم. هرچند این خبر تکذیب شد، اما به هر حال می‌دانیم که بعید هم نیست چنین تصمیمی گرفته شود. باین‌حال، مسئله اصلی اینجاست که اصل ماجرای عوارض خروج یا باج خروج، اصل مشهوری نیست. پرداخت مالیات به دولت اصل معمولی است. شما ممکن است یک بلیت هواپیما بخرید و روی این خریدتان به دولت هم مالیاتی پرداخت کنید. شهروندی در فروشگاه‌ای خریدی انجام می‌دهد و بابت آن مبلغی هم مالیات پرداخت می‌کند که طبیعی است، اما پرداخت مالیات برای خارج‌شدن از کشور معلوم نیست از کجا پیدا شده است. چرا شهروندی که به اشکال مختلفی مالیات پرداخت می‌کند، باید مالیات خروج از کشور هم بدهد؟ با همه این ابهامات، در این کشور چنین قانونی داریم. البته اگر به سوابق تاریخی آن نیز نگاه کنید، می‌بینید که شورای نگهبان وقت در برابر چنین تصمیمی مخالفت می‌کند، اما در نهایت منجر به وضع قانون می‌شود. اگر از سوابق تاریخی آن بگذریم، باید ببینیم خود این قانون از سوی مردم چگونه فهمیده می‌شود. جبار رحمانی در بخش دیگری از صحبت‌های خود، وجود قوانینی مانند عوارض خروج از کشور و چندبرابردن آن را مسئله‌ای طبقاتی می‌داند و می‌گوید: واکنش‌هایی که به این خبر در شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شد، به‌شدت

تماشاگر- ۱۲

قونیه و تصوف

رضا صدیق

• روزی که برای اولین بار کوله بستم و از نقطه صفر تهران حرکت کردم به‌سوی هجرت، هشتم مهر بود. روز تولد ملای روم. آن موقع‌ها به تصوف علاقه‌مند بودم و تذکره‌خوان. شمس و محمد بلخی نیز در صدر خواندن‌ها و تفرقه‌کردن‌ها. با مود آن زمان برایم هم تلافی معنا داشت. چون تصوف را شوریدگی می‌دانستم و سالی که نکوست از بهارش پیداست بود این تلاقی روز و فعل هجرتم. برای همین هم در دومین سال هجرت، تلاش کردم تا خودم را برسانم قونیه. آن زمان محل توقف کوالالامپور بود اما عزم کردم تا در سفری یک‌ماهه آن روز آنجا باشم. بهانه هم جور شده بود و دوستی در آن زمان راهی آمریکا بود و قبل از رفتنش چندروزی استانبول می‌ماند و می‌شد دیداری تازه کرد و پایان داد. پس بهانه کار کرد و از کوالالامپور برای اولین بار در این مسیر راهی استانبول شدم. بر روی اولین بار تأکید کردم چون که دفعه دومی هم هست که این سفر اول، زمینه‌ساز دومی شد. حکمت را در همین گذرگاه‌ها می‌توان جست. اول سفر راهی شهر وان شدم تا از محل کشتار ارامنه دیدار کنم و بعد راهی استانبول شدم و دیدار با دوست، وقتی همه بهانه‌ها خوابید و تنها شدم، تازه انکار سفرم آغاز شد. بلیت هواپیمای ساعت ۱۰ شب به قونیه را گرفتم. وقتی رسیدم با پروسه گرفتن ساک و طی‌کردن فرودگاه و این وقت‌های پرت پروسه‌ای، ساعت حدود یازده و نیم بود.

من در بدترین زمان ممکن به شهری که نمی‌شناختم رسیده بودم. چندروزی تا تولد ملای روم مانده بود و چه خوب که چنین رسیدم. به راننده ترک به سختی فهماندم توریست هستم. نمی‌دانم آن زمان بودم یا



نه اما می‌دانم وقتی قونیه را ترک کردم دیگر توریست قطعاً نبودم. راننده مرا برده به یک هتل. قیمتش برای آن زمان من خوب بود. یک اتاق یک‌نفره گرفتم. شب گذشت و ظهر راهی شهر شدم. هتل نزدیک به یک پارک بود که وسطش بارگاهی قرار داشت. می‌گفتند قبر شمس است. حال اینکه کسی نمی‌داند قبر شمس کجاست. آنجا هم بعدها فهمیدم که بهانه بود برای مسیر من. مدل مقبره صوفی‌ها شکل متفاوتی دارد.

روی سر قبر تابوت بزرگی قرار دارد که سقفش مثل گنبد مساجد کرد است و روی این تابوت چوبی بزرگ قرار گرفته روی سنگ قبر پارچه‌های مخملی سبز یا سیاه کشیده شده و روی این پارچه نوشته یا بیریق‌هایی قرار دارد. این جزئیات را از نشستن‌های طولانی که بعدها در آن مقبره توی پارک بغل هتل داشتم، فهمیدم. اول به آنجا رفتم. بعد پرسان پرسان تا مقبره ملای روم رفتم و بلیت خریدم تا بتوانم وارد محیط مقبره بشوم. برای همین هم این اولین و آخرین باری بود که پایم را در آن مقبره گذاشتم. آن‌قدر زشت تجاری شده بود که توی ذوق خوردنش عادی‌ترین چیزی بود که رخ می‌داد. انکار که رفته باشی موزه. بعد یک سالن بزرگ با کلی قبرهای مهیب و بزرگ بود که معلوم نبود کی به کی است. در این تور بیزینسی مارکتینگ ضعیف بود و فشل. خلاصه بیرون زدم بدون هیچ ذوقی و پیاده به سمت هال برگشتم اما قبل رفتن به هتل رفتم و توی مقبره شمس ماجرا نشستم. آنجا بود که با سنان آشنا شدم. یک دانشجوی به قول خودش آثارشیست ترک بود که نی می‌زد و چه خوش هم می‌زد.

برنده آبی



باشگاه ایتالیایی میلان بازی می‌کند. او که پسر یک مهاجر در سوئد است، یک پیراهن باشگاه و کتابی که اخیراً منتشر کرده با عنوان «آدرنالین» را به پاپ فرانسیس هدیه داده است. او پیش‌تر در توئیتر خود به عنوان تبلیغی برای این کتاب نوشته بود: «این انجیل نیست، بلکه دفتر خاطرات مردی است که در ۴۰سالگی با گذشته خود تسویه‌حساب می‌کند و مستقیماً به آینده می‌نگرد». به

گزارش ایسنا زلاتان ایبراهیموویچ همچنان در میلان با به توب است و عملکردهای فوق‌العاده‌اش در این تیم از پادها نخواهد رفت. ممکن است در میلان بازنشسته نشود، کسی نمی‌داند. شاید هنوز روزهای زیادی برای آویختن کفش‌هایش باقی مانده باشد. او در زمین و بیرون از آن می‌داند چه کار کند. پاس‌ها، دریل‌ها و شوت‌هایش ادامه دارند و می‌تواند همه را با حرکت‌هایش به وجد آورد. اظهارات مهاجم سوئدی نشان می‌دهد که زلاتان، زلاتان است و تنها خودش در سطح خودش است. او خیلی هوشمندانه صحبت می‌کند. او در یکی از قسمت‌های منتشرشده در آن، اعلام کرده یونایتد دارای ذهنیتی کوچک است. یونایتد باشگاهی ثروتمند و یکی از قدرتمندترین‌ها در دنیاست. از بیرون که نگاه می‌کنید، همین‌طور به نظر می‌رسد و من هم همین نظر را داشتم. ولی وقتی خودم آنجا رفتم، ذهنیتی کوچک و بسته دیدم!